

# تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان در مؤلفه‌های حیات خانوادگی

نرگس جدا\*

نقیسه اخوان نیلچی\*\*

## چکیده

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>1</sup> سندی بین‌المللی درباره‌ی حقوق زنان است که بیشتر کشورهای جهان به آن پیوسته یا در حال پذیرش آن هستند؛ از آنجا که کنوانسیون متأثر از مکتبی است که در آن فردگرایی اصالت دارد و با توجه به آسیبی که در عرصه‌ی جهانی به کانون خانواده و حیات انسانی وارد آمده، لازم است با رویکردی جامع و کلان‌گر (سیستمی) به تحلیل و تبیین دقیق و ریشه‌ای این موضوع پرداخته شود. در این پژوهش حیات خانوادگی به عنوان یک نظام منسجم و سلول اولیه و اصلی جامعه تبیین شده، اجزاء و مؤلفه‌های کلیدی آن استخراج شده و سپس تأثیر آزادی به عنوان مبانی کلیدی کنوانسیون در مؤلفه‌های حیات خانوادگی شامل قوامیت مرد، محبوبیت زن و در نهایت نظام خانواده تحلیل و بررسی می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، کنوانسیون با داشتن بندهای مختلف موجب از بین رفتن مسئولیت و مدیریت مردان در خانه و کاهش پای‌بندی زنان به کانون خانواده می‌شود.

## واژگان کلیدی

آزادی، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، تعالی خانواده، قوامیت مرد، محبوبیت زن، تحلیل سیستمی.

\*. دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه خوارزمی.

\*\* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی. n.akhavan.n@gmail.com

1. Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination Against Women (CEDAW)

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۵

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تا کنون، برای احقاق حقوق زن اسناد متعددی اعم از بیانیه و قطعنامه به تصویب رسانده که در این میان کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان<sup>۱</sup> مصوب ۱۹۷۹ میلادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به عنوان جامع‌ترین، مهم‌ترین و رسمی‌ترین سند بین‌المللی درباره‌ی حقوق زنان و رفع تبعیض علیه ایشان در تمامی عرصه‌ها شناخته شده است. از آنجا که بیشتر کشورهای جهان در حال پذیرش و پیوستن به این کنوانسیون هستند، تحلیل و تبیین دیدگاه‌های نوین و معاصر جهانی پیرامون مسائل و حقوق زنان، بررسی جهان‌بینی، مبانی، اهداف و مفاد کنوانسیون و نیز پیامدهای پیاده سازی آن با نگاه سیستمی و با رویکردی جامع و کلان‌نگر ضروری است. از سوی دیگر با نگاهی به جامعه‌ی جهانی ملاحظه می‌شود که حیات انسانی آسیب دیده، زیرا خانواده از کارکرد اصلی خود خارج شده است. با تعمق و دقت بر این موضوع می‌توان دریافت که یکی از عوامل ریشه‌ای این مسئله خارج شدن زن از جایگاه اصلی و حقیقی خویش است.

پژوهش‌هایی که تا کنون محتوای کنوانسیون را بررسی کرده‌اند، جزئیات نگر بوده و فقط به بررسی مجزای مقوله‌های مطرح شده (جهان‌بینی، مبانی، اهداف، مفاد و پیامد) اهتمام ورزیده‌اند. این پژوهش‌های سطحی مانع تحلیل و بررسی عمیق و ریشه‌ای وقایع مربوط به مسائل زنان و خانواده شده است و

۱. لازم به ذکر است در مقاله به اختصار از واژه کنوانسیون استفاده می‌شود.

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

به تبع آن راه کارهای سطحی و گاهی نادرست برای رفع این مسائل ارائه شده است. بنا بر نظریه‌های شهید مطهری، تقارب دیدگاه ایشان در باب خانواده با دیدگاه سیستمی حائز اهمیت است که در آن افراد در خدمت سیستم هستند و باید روابط اجزا به گونه‌ای باشد که کل خانواده به عنوان یک واحد به اهداف مورد نظر نائل شود (سالاری، فر، ۱۳۸۹: ۱۱). رویکرد سیستمی با نگاهی جامع به شناسایی کلیه‌ی امور مؤثر در رخداد یک پدیده، نظم بخشیدن به عملکرد سیستم برای تحقق هدف، تنظیم رابطه بین اجزای سیستم بر اساس رویه‌ی صحیح، تعیین نحوه‌ی اثرگذاری عناصر در یکدیگر و نیز فرآیند تأثیر عوامل مختلف بر یک پدیده می‌پردازد. بنابراین ضروری است با بهره‌گیری از رویکرد سیستمی رابطه‌ی تحلیلی عمیق و جامع از فرآیند تأثیر مبانی (آزادی) کنوانسیون در مفاد آن و تأثیرگذاری مفاد کنوانسیون در مؤلفه‌های حیات خانوادگی متعالی بررسی شود.

بدین منظور سؤال اصلی این پژوهش، چیستی و چگونگی تأثیر آزادی - به عنوان یکی از مبانی اصلی کنوانسیون - در مؤلفه‌های حیات خانوادگی متعالی شامل قوامیت مرد، محبوبیت و انیس بودن زن و در نهایت نظام خانواده است.

فرضیه‌ی پژوهش این است که گوهر و سرشت انسان نه زن و نه مرد است؛ یعنی انسانیت انسان بدون در نظر گرفتن زن و مرد بودن مطرح است. با ورود انسان به عالم ماده از طریق طبیعت و در تعامل با انسان‌های دیگر نقش‌هایی برای وی ایجاد می‌شود که این نقش‌ها بستری برای صعود و

عروج انسان است و لازم است با استفاده از این بستر طی مسیر کرده و به سوی کمال خویش گام بردارد.

با توجه به اینکه کل آفرینش به صورت زوج<sup>۱</sup> و در قالب ذکر و انثی آفریده شده، این ترکیب در انسان به صورت زن و مرد (نساء و رجل) نمود پیدا کرده است؛ لذا این دو در انسانیت هیچ گونه تفاوتی ندارند و برخی تمایز آنها در نقش‌هایشان بروز می‌کند.

در این پژوهش، خانواده‌ی متعالی به عنوان یک نظام منسجم و سلول اولیه و اصلی جامعه تبیین شده، سپس اجزاء و مؤلفه‌های کلیدی آن استخراج می‌شود و به آن دسته از نقش‌هایی پرداخته می‌شود که درون نظام خانوادگی وجود دارد و در صورت نبود تعریف صحیح و مناسب آنها و روابط فی‌مابین اعضا، خانواده از هویت اصلی خود خارج شده و کارکرد حقیقی خود را از دست خواهد داد.

## ۲- تعریف مفاهیم

در ابتدا ضروری است واژگان کلیدی به کار رفته در این پژوهش که عبارت‌اند از مؤلفه‌های خانوادگی توحیدی (قوامیت مرد، محبوبیت و انیس بودن زن) و مبانی و مفاهیم کنوانسیون (آزادی) به گونه‌ای دقیق بررسی شود تا فضای مفهومی مشخص و صریحی داشته باشد.

۱. وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات: ۴۹)

## ۲-۱- مؤلفه‌های خانوادگی توحیدی

در جامعه‌ی متأثر از رنسانس<sup>۱</sup>، نهضت فکری - فرهنگی اومانیزم به تبع ایجاد رغبت نسبت به آثار کلاسیک فرهنگ باستانی یونانی و رومی پدید آمد. واژه‌ی «اومانیزم» در لغت به معنای انسان‌گرایی یا انسان‌مداری است. معنای اصطلاحی این واژه در دوره‌های تاریخی، متنوع بوده، اما معنای عام و متداول آن عبارت است از یک شیوه‌ی فکری و حالتی روحی که شخصیت انسان و شکوفایی کامل وی را بر همه چیز مقدم می‌شمارد. این معنای اومانیزم، یکی از مبانی و زیرساخت‌های دنیای جدید به شمار می‌آید و در بسیاری از فلسفه‌ها و مکاتب پس از رنسانس تا به امروز وجود داشته است (Luik, 528)، به طوری که افراد واحد بنیادین جامعه را تشکیل می‌دهند و اصالت به فرد داده می‌شود.

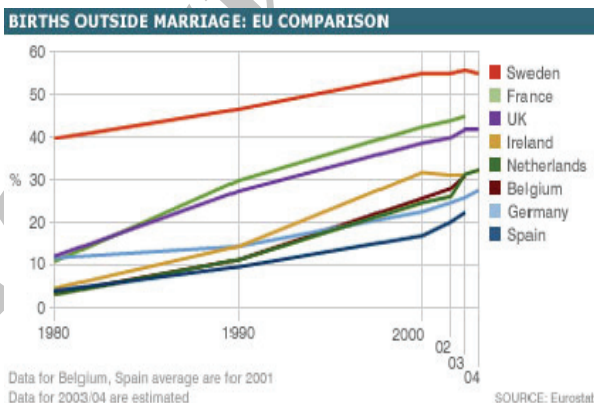
در چنین جامعه‌ای، خانوادگی هسته‌ای<sup>۲</sup> - که متشکل از مرد و زن ازدواج کرده و فرزندان نشان بوده - در حال گسست بوده و اشکال جدید خانواده شکل گرفته است. خانواده‌ها به سوی هم‌خانگی یک زن و مرد - بدون

---

۱. رنسانس (Renaissance) به دوره‌ای از تاریخ غرب مربوط است که قرن‌های چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم را در بر می‌گیرد. در این دوره تمایل به نوگرایی در فرهنگ و ادبیات و هنر پدید آمده بود. این حرکت جدید ادبی و هنری به ادبیات و هنر عصر باستان چشم دوخته بود (فرهنگ انگلیسی آکسفورد ذیل واژه).

۲. «خانواده» برگردان واژه‌ی لاتین Family از ریشه‌ی Familia به معنای «برده» و «مستخدم» گرفته شده است. این تحوّل لغوی تحوّل مفهومی را نیز می‌رساند؛ بدین معنا که در گذشته، نظام خانواده گسترده بوده و شامل غیر اعضای خانواده نظیر خدمتکار هم می‌شده و امروزه به نظام هسته‌ای تبدیل شده است. خانوادگی هسته‌ای مبتنی بر رابطه‌ی نسبی یا سببی میان اعضای خانواده است (شهلا اعزازی، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶، ص ۱۰).

ازدواج - که در آن زوجین در عین تأمین نیاز خود به زندگی مشترک تعهد و مسئولیتی در قبال یکدیگر ندارند و نیز هم‌خانگی دو هم‌جنس یا حتی زندگی با حیوانات پیش رفته‌اند. برای نمونه بر اساس گزارش نمایندگی آمار اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۱، ۴۰ درصد فرزندان اروپایی حاصل از ازدواج نیستند. همچنین به گزارش آمار ملی انگلیس<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۱، ۴۷٫۲ درصد از مولید انگلیسی حاصل ازدواج نبوده‌اند که قطعاً میزان آمار خانواده‌های بدون ازدواج بیشتر از این آمار است. در مواردی نیز خانواده‌ی تک‌والد (یکی از والدین و فرزندان) شکل گرفته است. از دیگر سو، با رشد فزاینده‌ی تعداد زنان ازدواج نکرده در دهه‌های سوم و چهارم زندگی، آنها تمایل دارند فرزندان خود را به تنهایی به دنیا بیاورند و تربیت کنند (سیاحت غرب، ۱۳۸۴: ۱۸) که این نیز شیوه‌ی تازه‌ای از خانواده را شکل می‌دهد.



نمودار ۱: آمار فرزندان اروپایی حاصل از همزیستی بدون ازدواج

1. European Union's statistics agency Eurostat
2. Office for National Statistics (ONS)

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

دگرگونی در معنی و مصداق خانواده موجب از بین رفتن «سُکنای حقیقی» شده است؛ لذا همه‌ی اعضای خانواده به یکدیگر به عنوان ابزاری می‌نگرند که می‌تواند منافعشان را تأمین کند. در چنین فضایی آنها نگران فروریختن خانه‌ی سُکنی و مأمنی آرام برای زندگی نیستند.

در مقابل، خانواده‌ی مطلوب اسلام که بر اساس حکمت الهی و با توجه به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد شکل گرفته و از کانون‌های اصلی جامعه به حساب می‌آید، محلی برای آرامش اعضای خانواده است که در تکامل جامعه نیز نقش بسزایی دارد. خانواده‌ی متعالی در نگاه توحیدی مرکب از اجزای پراکنده‌ای که در کنار هم گرد آمده باشند نیست، بلکه جمع یگانه‌ای است برای زندگی، پایداری و رشد در پرتو مودت و رحمت حق. اسلام برای ازدواج اهداف و آثاری بیان کرده است. برای تحقق این اهداف همه‌ی اعضای خانواده مسئولیت‌های ویژه یا مشترکی دارند و باید روابط خود با سایر اعضا را به گونه‌ای تنظیم کنند که تا حد توان به اهداف و آثار مورد نظر اسلام در خانواده دست یابند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۷۵).

در این نگرش، ازدواج اساس خانواده و خانواده اساس اجتماع است. افرادی که اعضای خانواده و اجتماع را شکل می‌دهند، هر یک حقوقی دارند. خانواده، پدر، مادر و فرزندان را شامل می‌شود که هر یک در جایگاه خود حقوق مربوط به خود را دارند. مرد قیم خانواده و مسئول آن است و زن نیز از جهت مالی و شخصیتی رکنی مستقل است. در متون دینی برای هر یک از اعضای خانواده حقوقی تعیین شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۰۵). زن و

شوهر با هم حقوق متقابل و متعادل دارند نه حقوقی مساوی یا متجانس، زیرا زن و مرد دو صنف از انسان‌اند نه دو نوع جدای از هم و بحث از حقوق اختصاصی آنها در حقیقت انسان که مشترک است راه ندارد. اسلام در توزیع مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی با ملاحظه‌ی وضعیت بدنی و توانایی‌های زن و مرد، برخی مسئولیت‌ها مانند مدیریت خانواده را به مرد سپرده است و این به معنای فضیلت ذاتی مرد بر زن نزد خداوند نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ج ۱۱: ص ۲۴۵). از سوی دیگر به تعبیر شهید مطهری مکانیسم طبیعی ازدواج که اسلام قوانین خود را بر اساس آن وضع کرده، این است که زن در منظومه‌ی خانوادگی محبوب و محترم باشد. بنابراین اگر به عللی زن از این مقام خود سقوط کرد و شعله‌ی محبت مرد نسبت به او خاموش و مرد نسبت به او بی‌علاقه شد، پایه و رکن اساسی خانوادگی خراب شده، یعنی یک اجتماع طبیعی به حکم طبیعت از هم پاشیده است. پس نمی‌توان از لحاظ قانونی آن را یک امر زنده و باقی فرض کرد. از این رو، هر زمان شعله‌ی محبت و علاقه‌ی مرد خاموش شود، ازدواج از نظر طبیعی مرده است (مطهری، ۱۳۸۱: ۲۴۷ و ۲۴۸).

ابن سینا - دانشمند بزرگ قرن چهارم و پنجم هجری - در تألیفات خود اهمیت خانواده و ارکان آن و چگونگی روابط میان زن و شوهر و نیز والدین و فرزندان را بیان می‌کند. وی، زن را همکار و یاور مرد در اداره‌ی منزل و مایه‌ی آرامش و سکون او می‌داند. مرد هم باید در روابط خود در خانواده هیبت و تکریم را مد نظر قرار دهد؛ هیبت که اساس تدبیر مرد در خانواده



تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

است، نواقص را تکمیل کرده و نقاط ضعف را می‌پوشاند. هیبت مرد نسبت به همسر آن است که مرد احترام خویش را در خانه حفظ کند، از دین و مروت خویش پاسداری کند و به وعده‌هایش پای‌بند باشد. تکریم نیز بدین معناست که شوهر باید زن را بزرگ دارد و او را تکریم کند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۶ و ۷). همچنین در نظام خانواده مسئولیت والدین پس از مسئولیت زن و شوهر بودن مهم‌ترین رکن به شمار می‌رود (همان: ۸۰) وظیفه‌ی والدین پرورش فرزند صالح است.

بنابراین چگونگی الگوی روابط میان اعضای خانواده یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با استحکام و تعالی خانواده است. در این پژوهش به مسئولیت‌ها و حقوق متقابل و گونه‌های روابط در خانواده پرداخته می‌شود که در واقع ارکان و یا مؤلفه‌های خانواده از دیدگاه اسلام به شمار می‌روند. در نظام طراحی شده‌ی اسلام، مؤلفه‌های کلیدی حیات خانوادگی متعالی یعنی قوامیت مرد، محبوبیت و انیس بودن زن و فرزند صالح است که به شکل‌گیری خانواده و در نتیجه جامعه‌ی توحیدی منجر می‌شود. این

---

۱. جهان‌بینی توحیدی یعنی جهان‌ماهیت "از اویی" (انا لله) و "به سوی اویی" (انا الیه راجعون) دارد و موجودات جهان با نظامی هماهنگ به یک سو و به طرف یک مرکز تکامل می‌یابند. آفرینش هیچ موجودی عبث و بیهوده و بدون هدف نیست. جهان‌بینی توحیدی به حیات و زندگی معنی و روح و هدف می‌دهد، زیرا انسان را در مسیری از کمال قرار می‌دهد که در هیچ حد معینی متوقف نمی‌شود و همیشه رو به پیش است (مجموعه آثار شهید مطهری، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۸۴). بینش و اعتقاد توحیدی به این معنی است که انسان همه‌ی هستی خود را در قبضه‌ی حق بیابد و بر اساس احکام الهی عمل کند و بر مبنای اعتقاد توحیدی بیاندیشد و حوادث را تجزیه و تحلیل کند. خانواده‌ای که بر اساس این بینش و نگرش به هستی و وظایف خویش شکل گرفته باشد، می‌تواند تشکیل خانوادگی توحیدی بدهد.

همان تعریف کامل از حیات خانوادگی است، چراکه مهم‌ترین عاملی که میان افراد خانواده رأفت، گذشت و ایثار را زنده می‌کند تجلی روح مادر در خانواده است، زیرا پدر به استناد «الرجال قوامون علی النساء» (نساء: ۳۴) عهده‌دار کارهای اداری و اجرایی خانواده است و اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده است، به عهده‌ی مادر است. چون مبدأ پیدایش و پرورش فرزندان است که هر یک به دیگری وابسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۷).

در این پژوهش دو مؤلفه‌ی قوامیت مرد و محبوبیت و انیس بودن زن - که از مؤلفه‌های محوری حیات خانوادگی متعالی هستند - بررسی می‌شوند.



نمودار ۲: مؤلفه‌های حیات خانوادگی

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

## ۲-۱-۱- قوامیت مرد

واژه‌ی قوام از ریشه‌ی «قَوْمَ» و مصدر آن «قَوْمَ» و «قیام» است. ابن منظور در *لسان‌الغیب* «قوام» را صیغه مبالغه از «قائم» می‌داند که از «قام- یقوم» گرفته شده<sup>۱</sup> و به معنی ایستادن (ضد نشستن) است. وی متذکر می‌شود که مشتقات قیام در معانی مختلفی همچون وقوف و ثبات، ادامه دادن (آیه‌ی «یقیمون الصلاة»)، تعدیل و تساوی در امور، رعایت عدالت (آیه‌ی «وکان بین ذلک قواما»)، خوش اندام (رجل قویم و قوام)، خوش رفتاری (قوام ای حسن الطول)، نظام و شالوده‌ی چیزی (قوام الامور) به کار رفته است و در آیه‌ی «الرجال قوامون علی النساء» آن را به معنی محافظت و اصلاح می‌داند (ابن منظور، ج ۱، ذیل واژه‌ی قوم).

بعضی از کتب تفسیر نیز معانی لغوی «قوام» را بررسی کرده‌اند؛ به نظر آنها این کلمه صیغه‌ی مبالغه از قیام و به این معناست که شخص با دقت و مراقبت بسیار و سخت‌گیری، از شیء مورد نظر محافظت کند (انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۱۶۸). به نظر برخی دیگر «قوام» مبالغه در صفت قیم است و قیم نیز به کسی می‌گویند که عهده‌دار امور مهم شخص دیگری باشد (طباطبایی، ۱۳۸۲: ج ۴، ص ۵۴۳). در برخی دیگر از کتب تفسیر نیز اشاره شده که مؤلفه‌های التزامی قوام واژگانی چون «دائماً در حال قیام»، «دائماً قائم به امر کسی» و «سرپرست» است.<sup>۲</sup>

۱. واژه‌ی قوام که در ۳ آیه از قرآن کریم تکرار شده است، ریشه‌ی «قام یقوم» و از مصدر قیام است.  
۲. طبری در *جامع‌البیان* و شیخ طوسی در *تبیان مردان* را موظف به قیام در اداره‌ی امور زنانشان می‌دانند.

در آیه‌ی شریفه‌ی «الرجال قوامون علی النساء» می‌توان گفت، رجال «قائمون بر انجام امور<sup>۱</sup> نساء» هستند (طبری: ج ۴، صص ۴۰-۳۸). یعنی تولی و سرپرستی امور ایشان را در کانون خانواده برعهده دارند که به قرینه‌ی ادامه‌ی آیه به دلیل تکالیفی که خداوند بر دوش مردان قرار می‌دهد، حقوقی متناسب با آن به آنها تفویض شد.

مردان مسئولیت قوام بودن، یعنی پابرجا نگه داشتن و پشتیبان و محافظ بودن در محیط خانواده را بر دوش دارند. همچنین مردان باید به مسئولیت انفاق خود عمل کنند، یعنی از مال خود هزینه کنند و نظام خانواده را پابرجا نگه دارند تا قوام باشد (انصاری، ۱۳۸۸: ۱۳۴)؛ چراکه نظام خانواده نیز مانند تمامی گروه‌ها برای بقا و استحکام نیازمند قوام است. همان گونه که پیامبر (ﷺ) فرمودند: «کلّ نفس من بنی آدم سیّد فالرجل سیّد اهل و المرأة سیّد بیتها»؛ «هر یک از فرزندان آدم فرمانروایی است، مرد فرمانروای خانواده‌ی خویش و زن فرمانروای خانه‌ی خویش است» (پابنده، ۱۳۸۳: صص ۶۱۴ و ۶۱۵، ح ۲۱۷۷). همچنین «الرجل راع علی اهل بیته و کلّ راع مسئول عن رعیتة و المرأة راعیة علی مال زوجها و مسئولة عنه»؛ «مرد مدیر خانواده‌ی خود است و هر مدیری مسئول زیردستانش است و زن مدیر اموال شوهر بوده و نسبت به آن مسئولیت دارد» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۸).

۱. از آنجا که معنای ظاهری آیه قیام بر خود زن است و این معنا نمی‌دهد لذا می‌توان "امور" را در تقدیر گرفت.

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

## ۲-۱-۲- محبوبیت و انیس بودن زن

در لسان عرب به جنس زن، اُنْثی می‌گویند. در کتاب لغت التحقیق اصل این کلمه، «لین» به معنی لینت و نرمی بیان شده است، به طوری که اُنْثی را لَین می‌نامند. با توجه به اینکه «اُنس» یک نوع لَین است، بین اُنْثی و لَین ارتباط لفظی و معنوی برقرار است<sup>۱</sup> (التحقیق، ذیل کلمه انْثی).

حُب در لغت، مصدر فعل «حَبَّ یُحِبُّ» است که به معنای لزوم و ثبات و نیز دوستی و کشش نفس به سوی چیزی خواستنی است و این معنا از همان لزوم و ثبات اخذ شده است (راغب اصفهانی، ذیل «بغض»). حب در معنای اصطلاحی آن گرایش به سوی چیزی لذت‌بخش و سازگار با طبع و وابستگی خاص میان انسان و کمال اوست. این انفعال نفسانی تابع ادراک معرفت است و از شناخت زیبایی‌های ذاتی محبوب یا از احسان وی نشئت می‌گیرد (غزالی، ۱۹۸۶: ۳۱۴) و مراتب شدت و ضعف دارد و دربرگیرنده‌ی امور مادی و غیرمادی است (طباطبائی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۴۱).

بشریت در ذات خود جویای محبت است و در این کش و قوس عده‌ای محب و عده‌ای دیگر محبوب می‌شوند. تعلق میان مُحِب و محبوب، باعث کشش انسان به سوی محبوب می‌شود که با رسیدن به آن، نقص وی به کمال تبدیل شده و نیازهای مادی و معنوی‌اش برطرف می‌شود (همان، ج ۳،

۱. و قد یقال إنَّ الأصل فی هذه المادّة: هو اللین، ثمَّ أطلقت علی المرأة مجازاً للینها... و فی لسان و زعم ابن الأعرابی: إنَّ المرأة إنّما سمّیت أنْثی، من البلد الأنیث، قال: لأنَّ المرأة ألین من الرجل، و سمّیت أنْثی للینها. قال ابن سیده: فأصل هذا الباب علی قوله إنّما هو الأنیث الذی هو اللین. و یؤید هذا القول: ما فی بین هذه المادّة و مادّة الانس من المناسبة اللفظیة و المعنویة، فإنَّ الانس نوع من اللین.

ص ۱۵۸). از آنجا که زن در نظام آفرینش، مظهر جمال و زیبایی خداوند جمیل است همواره معشوق و محبوب مرد قرار می‌گیرد؛ لذا نیاز و علاقه‌ی طبیعی او این است که قلب مرد را مادام‌العمر و همیشگی تسخیر کرده و محبوب دل او باشد. مرد نیز با توجه به مظهر طلب و محب بودن، نیازمند همسری است که عاشق و دلدادگی او باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت تدبیر حکیمانه‌ی الهی در پرتو ایجاد تفاوت‌های روانی و جسمی در زن و مرد و نیاز دوسویه‌ی آنها تحقق یافته است که به گرایش زن و مرد به سوی یکدیگر منجر شده تا آنها به برقراری پیوند خانوادگی و تداوم آن علاقه‌مند شوند (کوهی، ۱۳۸۷: ۲۴۴-۲۴۲). در رساله‌ی حقوق امام سجاد (ع) آمده که خداوند زن را مایه‌ی سکینت، آرامش و همدم مرد<sup>۱</sup> قرار داده است. بر این اساس می‌توان گفت علت اصلی خلقت زن سکینت، آرامش‌دهی و انیس بودن وی است.<sup>۲</sup>

به قول ویل دورانت: «زن وقتی زنده است که معشوق باشد و توجه کردن به او مایه‌ی حیات اوست» (دورانت، ۱۳۸۵: ۱۴۱). البته محبت زن و مرد دوسویه است و هر دو به مهر و محبت نیازمندند، اما زن به مقتضای طبیعتش دوست دارد در قلب یک مرد جا گرفته و او را برای همیشه نزد خود نگاه دارد. بدین منظور اگر زن بتواند در جایگاه واقعی خود در نظام

۱. لازم به ذکر است، با توجه به آیه «لنسکنوا لیها» زن و مرد هر دو باید مایه‌ی آرامش یکدیگر باشند، ولی میزان آرامش‌دهی و انیس بودن زن بیشتر است.  
۲. «وَأَمَّا حَقٌّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكْنًا وَمُسْتَرَاحًا وَأُنْسًا وَوَأَقِيَّةً»؛ «و اما حق زنت که به نکاح تو در آمده این است که بدانی خداوند او را مایه‌ی آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو ساخته است».

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

خانواده که انیس بودن و محوریت عاطفی است قرار گیرد، به طریق اولی به این نیاز طبیعی خویش پاسخ گفته است.

## ۲-۲- میان‌ی و مفاهیم کنوانسیون

به منظور بررسی دقیق‌تر موضوع مقاله، ابتدا به تعریف مفهوم آزادی از دیدگاه کنوانسیون و اسلام پرداخته می‌شود. سپس با بهره‌گیری از این مفهوم تأثیر آن در مؤلفه‌های حیات خانوادگی بررسی خواهد شد.

### ۲-۲-۱- آزادی

تعریف آزادی با تعریف انسان ارتباط مستقیم و تنگاتنگی دارد، زیرا متعلق آزادی خود انسان است. از این رو هر تعریفی از انسان در درک و برداشت از آزادی نقش مهمی خواهد داشت. پس تفسیر آزادی به انسان‌شناسی بستگی دارد و انسان‌شناسی نیز به جهان‌شناسی وابسته است؛ لذا با تفاوت جهان‌بینی و انسان‌شناسی تفسیر آزادی نیز متعدد و متفاوت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ (ب): ۲۹ و ۳۰).

### ۲-۲-۲- آزادی<sup>۱</sup> در ادبیات کنوانسیون

تا پیش از ظهور جامعه‌ی مدرن، به رغم اینکه زنان از دنیای سیاست برکنار بودند، اما به دلیل اهمیت اقتصاد خانگی و به بیانی تفکیک نشدن حوزه‌های عمومی و خصوصی در حیات اقتصادی جوامع نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند، که کم و بیش با مردان مشابه بود (زن، دانشگاه، فردایی بهتر،

---

1. Freedom

۱۳۷۹: ۷۴). فلسفه‌ی لیبرال با رشد سرمایه‌داری ظهور نمود و بر اساس اعتقاد به تساوی ذاتی انسان‌ها خواستار دموکراسی و آزادی‌های سیاسی شد و شرایط جدید زندگی زنان را نیز همچون مردان متحول کرد.

حرکت‌ها و نهضت‌های زنان در آمریکا با نهضت برده‌داری ارتباط نزدیکی داشت. فراینس رایت<sup>۱</sup> از رهبران این جنبش، از فعال‌ترین طرفداران لغو بردگی و بهبود وضع کارگری در آمریکای شمالی بود. وی در سال ۱۸۳۰ میلادی اولین اجتماع آرمانی، آزادی و مختلط را برای بردگان و دیگر شهروندان آمریکایی ایجاد کرد. عقیده‌ی تشکیل اولین کنفرانس جهانی برای دفاع از حقوق زنان در سال ۱۸۴۸ برگرفته از کنفرانس جهانی ضد برده‌داری در سال ۱۸۴۰ میلادی در لندن بود (گزیده مقالات درباره فمینیسم: ۱۲-۱۴).

در نظر گرفتن ظلم تاریخی به زنان از یک سو و گسترش جهانی شدن به معنای یک بلوغ بین‌المللی در دهه‌های اخیر، زمینه‌ساز پیدایش نظریه‌ها و مکاتب جدید و متنوع برای احقاق حقوق زنان بود. نظام سرمایه‌داری نیز برای ایجاد نظم نوین جهانی برای تمامی اقشار به ویژه زنان و جوانان طراحی و برنامه‌ریزی منسجمی کرده بود. لیبرالیسم برای مشروعیت بخشیدن تئوری‌های برنامه‌ریزی شده‌ی غربی در نظام بین‌الملل، راهی جز همراه نمودن ملل با این اهداف در عرصه‌ی جهانی نداشت. قراردادهای جهانی و تصمیم‌های بین‌المللی درباره‌ی زنان نیز از این قاعده مستثنی نبودند

1. Frayns Wright



تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

(زعفرانچی، ۱۳۸۲). «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» نتیجه‌ی برگزاری کنفرانس‌های متعدد و همکاری کشورهای مختلف در این باره است.

آزادی یکی از مفاهیم محوری در معاهده‌ی «محو تبعیض علیه زنان» است و به کرات در متن کنوانسیون ذکر شده است. گرچه در این سند، به صراحت آزادی به معنای لیبرالیستی آن - یعنی حاکمیت تمایلات نفسانی و یا به قول کانت در خدمت شهوت بودن قوای عقلانی - بیان نشده، اما در قالب تعبیری دیگر در نظر گرفته شده است. آزادی در نگاه کنوانسیون محصول عقل خودبنیاد و بر اساس خردگرایی عصر تجدد کاملاً بریده از تعالیم وحیانی و مبتنی بر تشخیص صرف انسانی است. چنانچه مراد از آزادی‌های مزبور هم، آزادی‌های لیبرالیستی است (علاسوند، ۱۳۸۲: ۲۰).

آزادی به مثابه مفهومی انتزاعی، مفهومی است که در مکتب‌های مختلف اجتماعی، تعاریف و تفاسیر گوناگونی از آن شده است (افروغ، ۱۳۹۱: ۳۱۱) به نحوی که به نظر آیزایا برلین<sup>۱</sup> تا کنون ۲۰۰ تعریف از آزادی ارائه شده است (برلین، ۱۳۸۰: ۷۹). نسبت به مفهوم آزادی دو رویکرد وجود دارد؛ رویکرد اول بنا به تعریف لوئیس<sup>۲</sup> است که آزادی را نبود قید و بندهای زیان‌آور و غیرضروری می‌داند (آتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۳). رویکرد دوم بر اساس تعریف آزادی از نگاه برلین است. برلین می‌گوید: «اگر دیگران مرا از آنچه بدون دخالت آنها انجام خواهم داد بازدارند، به همان اندازه‌ی دخالت دیگری، آزادی خود را از دست

1. Isaah Berlin

2. Lewis

داده‌ام و اگر دیگران این حوزه را بیش از حد معینی محدود کنند، در آن صورت می‌توان گفت من تحت اجبار و شاید در بندم. اجبار یعنی مداخله‌ی عمدی دیگران در حوزه‌ای که فرد بدون مداخله‌ی آنها در آن حوزه عمل می‌کند. بنابراین اجبار انسان یعنی محروم کردن او از آزادی» (Berlin, 1969: 122). بنا بر این دو تعریف، هر جا مانع یا مداخله‌ی کمتری باشد، آزادی بیشتری هست. نکته‌ی تأمل‌برانگیز دیگر در بحث آزادی، تمایز قائل شدن بین آزادی فردی و جمعی است. جنبش‌های آزادی‌بخش ملی یا استقلال ملی، جنبش‌های طبقاتی و سایر جنبش‌ها خواهان تأمین و تضمین معنای خاصی از آزادی بیشتر برای همه‌ی گروه‌های مردم هستند. البته این هدف به کسب انواع معین آزادی فردی مرتبط است (آتویت و باتامور، ۱۳۹۲: ۳ و ۴) و مبارزه برای احقاق حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان برگرفته از گسترش آزادی به این معناست.

در یک دید کاملاً مادی، برای داوری در باب ادعاهای آزادی هیچ مرجعی به جز عقل بشر وجود ندارد. آزادی شخص، فرهنگ فردگرایی مطلق را انتظار دارد و این بدان معناست که منشأ و مشروعیت، اعتبار و مفهوم این آزادی فقط انسانی است و نمی‌توان آنها را به فراتر از شخص انسان تعمیم داد (Donnelly, 1989: 17). در این نگاه تمایلات نفسانی اصالت پیدا می‌کند، یعنی انسان باید بتواند تمایلات شخصی خود را پاسخ‌گو باشد و خانواده و اجتماع نمی‌توانند ارزش‌های خود را بر فردگرایی حاکم کنند.<sup>۱</sup>

۱. برای مثال مجله‌ی «پیام یونسکو» در شماره‌ی ۳۳ خود که ویژه‌ی خانواده است مقاله‌ای از کشورهای اروپایی به چاپ رسانده است که در آن می‌گوید: «امروزه زوج‌های جوان به قانون‌گذاران اجازه نمی‌دهند که قوانین را در مورد خانواده وضع کنند که شادکامی فردی دو طرف را محدود

## ۲-۳- آزادی در ادبیات اسلام

در نگاه حکما و متکلمان، انسان نه مجبور است تا اسناد کارهایش به او مجازی باشد و نه مفوض تا اسناد کارها و افعال به وی به شکل استقلال باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۰۳). اصلی ترین و ابتدایی ترین معنای آزادی، داشتن اختیار است و در مقابل جبر (مجبور بودن) قرار دارد (عطایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۵). آیاتی در قرآن وجود دارد که انسان را مختار دانسته و افراد را نسبت به انجام دادن برخی امور امر و نهی می کند، زیرا امر و نهی تنها در مورد مخاطب مختار صادق است. آزادی اخلاقی به معنای رهایی از بند ردایل اخلاقی و خواستن فضایل انسانی است؛ رهایی از قید و بندهای هوی و هوس، امیال و خواهش های نفسانی که بردگی را در پی دارد؛ پس آزادی حقیقی در روح انسان است نه جسم او. در نزد عرفا انسان از آنچه رنگ تعلق و تعیین پذیرد، آزاد است و هیچ چیزی جز ذات اقدس حق برای او جاذبه ندارد. عارف کامل آزادی را در فنای خویش می داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۰۴ و ۲۰۵)، اما باید در نظر داشت که هر کدام از علوم به فراخور ظرفیت اندیشه، رنگی از رنگین کمان بلند آزادی را می بینند و چون افق دید آنها به گستره‌ی آغاز و انجام انسان محدود است، تنها بخشی از معنای عمیق آزادی را از منظر معرفت خویش می توانند عرضه کنند.

---

کند» یعنی آنها خانواده تشکیل می دهند، ولی قوانین دست و پاگیری در زندگی خانوادگی و زناشویی نباید در مقابل آنها وجود داشته باشند. آنها معتقدند وضعیت زناشویی نباید محدودکننده‌ی رابطه‌ی جنسی باشد، یعنی زن و مرد بعد از تشکیل خانواده می توانند روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده هم داشته باشند.

شهید بهشتی دو معنای متفاوت آزادی، یعنی معنای فردی و اجتماعی را از هم تفکیک می‌کند؛ آزادی در مفهوم فردی آن تنها به معنای رهایی از بندهای بیرونی نیست، بلکه ذاتی و درونی بوده و به شخص انسان مربوط می‌شود و به معنای آزادی از بندهای درونی هم هست. قدرت مادی می‌تواند بشر را از بندهای بیرونی رهایی بخشد، اما این قدرت نمی‌تواند آزادی را به ارمغان آورد، زیرا آزادی تنها وقتی معنا پیدا می‌کند که تمامی بندها - که بخش مهمی از آنها بندهای درونی است - از میان برداشته شود (فارسی، ۱۳۶۱: ۵۶).

آزادی در اسلام به معنای اجرای احکام عقلانی است نه اعمال خواسته‌های نفسانی. انسان آزاد است که مطیع غرایز حیوانی خود نباشد، چون آزادی در مقابل بردگی است و آزاد کسی است که پیرو حکم فطرت و عقل باشد نه تسلیم نفس و شهوت. در حقیقت می‌توان گفت که فلسفه‌ی اصلی جعل تکالیف الهی رهایی از قیدهای بشری است نه محدودیتی برای آزادی (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۴۷۳).

### ۳- روش‌شناسی تحقیق: رویکرد سیستمی

نظریه‌ی سیستمی نخستین بار در سال ۱۹۵۰ به وسیله‌ی لودویک برتالنفی مطرح و با سرعت در تمام حوزه‌ها به کار گرفته شد. وی نظام اجتماعی را به عنوان نخستین مسئله برای هر نوع حیات دانسته و بینشی پویا، سیستم گونه، فعل و انفعالی، چندبعدی، چندسطحی و احتمال‌گرایانه از نظام اجتماعی ارائه داد. به عقیده‌ی وی جزء و کل هر دو اهمیت دارند و ماهیت کل با

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

مجموع ماهیت‌های اجزای تشکیل دهنده‌ی آن متفاوت است؛ لذا روشی که فقط به بررسی یک جزء یا یک فرآیند بپردازد، نمی‌تواند تشریح کاملی از یک موجود ارائه دهد. همچنین نگرش تک بعدی نیز نمی‌تواند اطلاعات جامعی درباره‌ی نحوه‌ی هماهنگی اجزاء و فرآیندهای گوناگون ارگانسیم‌ها در اختیار ما بگذارد (زاهدی، ۱۳۸۹: ۲۲).

تفکر سیستمی بر خلاف برخی از جنبش‌های فکری که در یک رشته‌ی علمی و در محدوده‌ی معینی نشو و نما کرده‌اند، در خارج از محدوده‌ی یک علم معین متولد شد و در محیطی میان رشته‌ای رشد کرد. شاید تأثیر تفکر سیستمی بیشتر در حوزه‌ی ابعاد انسانی سازمان بوده است (رضائیان، ۱۳۸۴: ۱۰). سیستم از اجزای مختلفی تشکیل می‌شود، یعنی یک «قطعه» به تنهایی سیستم نیست. اجزای یک سیستم عبارت‌اند از:

**درون‌داد:** عناصری که وارد سیستم می‌شوند، درون داد نام دارند که می‌تواند سه نوع باشد؛ زنجیره‌ای، تصادفی و بازخورد (رنوفی، ۱۳۸۱: ۱۰۶).

**فرآیند:** جریان عملیات یک سیستم روی درون‌داد که بر ارزش و سودمندی آنها افزوده می‌شود را فرآیند گویند.

**برون‌داد:** برون‌داد چیزهایی است که یک سیستم به محیط خود یا سیستم‌های مجاور خود صادر می‌کند. آنچه که یک سیستم با هدف قبلی (طبق انتظار) و یا اتفاقی (غیر منتظره) تولید می‌کند (علاقه بند، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

**بازخور:** بازخور عبارت است از کسب اطلاعات لازم درباره‌ی عملکرد خود. بازخور به دو صورت مثبت و منفی است؛ بازخور منفی حاوی اطلاعاتی

است که تفاوت و انحرافی از هدف سیستم در آنها وجود دارد که نیاز به تصحیح دارند و سیستم را در راستای اهداف و مواضع پیشین نگه می‌دارند. بازخور مثبت نشان می‌دهد که انحرافی در برون‌داد نیست و پیشنهادی برای تغییر و توسعه‌ی سازمان تلقی می‌شود (علاقه بند، ۱۳۸۱: ۱۲۷). به عبارت دیگر، بازخور فرآیندی است که در آن بخشی از ستاده‌ها به عنوان اطلاعات به درون‌داد بازخورانده می‌شود و به این ترتیب، سیستم را خود کنترل می‌کند. لازم به ذکر است که اجزای سیستم با هم در ارتباط و تعامل هستند. تا وقتی تعامل وجود ندارد، تنها یک «مجموعه» وجود خواهد داشت، نه یک سیستم.

**محیط سیستم:** سیستم از عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد و در آن اثر می‌گذارد. به عبارت دیگر، سیستم و عوامل محیطی (مانند عوامل طبیعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) بر هم کنش و واکنش متقابل دارند. به این ترتیب محیط سیستم را عواملی تشکیل می‌دهند که اگرچه جزء سیستم نیستند، اما تغییر در هر یک از آنها می‌تواند موجب تغییراتی در سیستم شود. بنابراین محیط سیستم شامل کلیه‌ی متغیرهایی است که می‌توانند در وضع سیستم مؤثر باشند و یا از سیستم تأثیر پذیرند (مجید زارع شحنه و قریب: <http://www.pajoohe.com/>)

### ۳-۱- بررسی فرآیند سیستمی حیات خانوادگی

با تشریح روش‌شناسی و اجزای مختلف سیستم در رویکرد سیستمی، مؤلفه‌های حیات خانوادگی بر اجزای سیستم تطبیق داده می‌شوند.

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

- درون‌داد سیستم حیات خانوادگی: شامل مفاد کنوانسیون برآمده از مبانی کنوانسیون و پیامدهای حاصل از پیاده‌سازی کنوانسیون در سطح جامعه است.

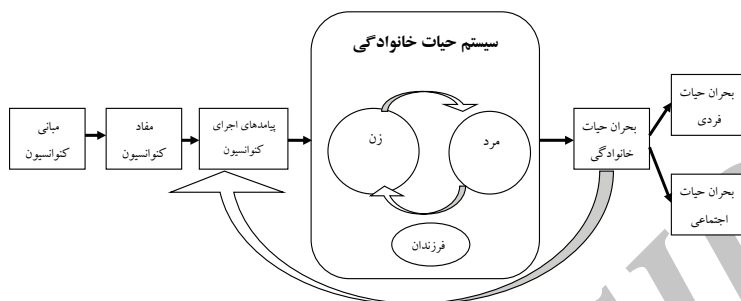
- فرآیند سیستم حیات خانوادگی: سیستم خانواده متشکل از مرد، زن و فرزندان است. محیطی که در آن سیستم منطبق با رویکرد و قوانین اسلامی و الهی به کار گرفته شود، حیات خانوادگی سالم مانده و خانواده‌ی متعالی شکل می‌گیرد، ولی در صورتی که محیط خانواده متأثر از فضای حاصل از اجرای کنوانسیون باشد، در خانواده بحران پدید می‌آید.

- برون داد سیستم حیات خانوادگی: خانواده متأثر از پیاده‌سازی مفاد کنوانسیون، دچار بحران می‌شود. این بحران خانوادگی، بحران در حوزه‌ی فردی و اجتماعی را نیز در پی دارد.

- بازخور سیستم حیات خانوادگی: بحران فردی و اجتماعی در یک حلقه‌ی مثبت، پیامدهای حاصل از اجرای کنوانسیون را در سطح جامعه افزایش می‌دهد و به تبع آن بحران خانوادگی تشدید می‌شود.

- محیط سیستم: در سیستم حیات خانوادگی، محیط سیستم کشورهایایی هستند که عضویت کنوانسیون را پذیرفته‌اند و مفاد کنوانسیون را در سطح جامعه اجرا می‌کنند.

لازم به ذکر است، در ادامه جزء به جزء سیستم حیات خانوادگی و تأثیری مستقیم و غیرمستقیم مواد کنوانسیون در مؤلفه‌های حیات خانوادگی شرح داده خواهد شد.



نمودار ۳: فرآیند سیستمی

### ۳-۲- تحلیل پویایی سیستم

جی فاستر<sup>۱</sup> و همکارانش برای اولین بار پویایی سیستم به شکل امروزی را در سال ۱۹۶۰ در دپارتمان مدیریت اسلون در مؤسسه‌ی تکنولوژی ماساچوست مطرح کردند (حسن زاده، ۱۳۹۳ به نقل از شاسیل، ۱۹۹۳: ۳۰). پویایی سیستم روشی برای توصیف کیفی، اکتشاف و تجزیه و تحلیل سیستم‌های پیچیده و رویکردی برای کشف رفتار دینامیکی غیرخطی و مطالعه‌ی چگونگی تأثیر ساختارها و پارامترهای سیستم در الگوهای رفتاری یک سیستم اجتماعی-اقتصادی است. پویاشناسی سیستم<sup>۲</sup> دیدگاه و مجموعه‌ای از ابزارهای مفهومی است که فهم ساختار و پویایی سیستم‌های پیچیده را امکان‌پذیر می‌کند. در تحلیل به شیوه‌ی پویایی سیستم ابتدا یک تصویر دقیق و جامعی از واقعیت ارائه می‌شود. در این روش مدل‌های علت - معلول بر اساس مشاهدات انجام شده، روی رفتار سیستم و نیز با الهام از نظریه‌های معتبر از مبانی نظری شکل می‌گیرد.

1. Jay Wright Forrester

2. System Dynamic



تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

مدل‌های ایجاد شده توسط روش‌شناسی پویایی سیستم اجزایی دارند که عبارت‌اند از نمودارهای علت - معلولی، حلقه‌های علی و نمودارهای جریان. نمودارهای علت - معلولی ابزاری برای ترسیم ارتباطات علی بین مجموعه‌ای از متغیرهای (یا عوامل) موجود در داخل یک سیستم هستند. از طرفی وجود بازخورد در روابط علت و معلول موجب ایجاد حلقه‌های علی می‌شود؛ حلقه‌های علی به حلقه‌های تقویت‌کننده و حلقه‌های تعادلی تقسیم می‌شوند. حلقه‌های تقویت‌کننده معادل بازخورد مثبت و حلقه‌های تعادلی معادل بازخورد منفی تعریف می‌شوند (مشایخی و عادل آذر، ۱۳۹۲: ۵۰).

در این پژوهش به منظور تحلیل مفاد کنوانسیون با بهره‌گیری از رویکرد سیستمی و با توجه به کیفی بودن تحلیل این پدیده، تنها از نمودارهای علت - معلولی و حلقه‌های علی استفاده می‌شود و به نمودارهای جریان و مدل‌سازی ریاضی آن پرداخته نمی‌شود.

در یک نمودار علت - معلول، ارتباط مثبت به این معنی است که تغییر علت در یک جهت موجب تغییر معلول در همان جهت می‌شود و یک ارتباط منفی به این معنی است که تغییر علت در یک جهت موجب تغییر معلول در جهت مخالف می‌شود. یک روش برای تعیین قطبیت حلقه، شمارش تعداد روابط علی منفی است که اگر فرد باشد حلقه‌ی علی، منفی و در غیر این صورت حلقه‌ی علی، مثبت است.

## ۴- بررسی ارتباط آزادی در نگاه کنوانسیون با مؤلفه‌های حیات خانوادگی متعالی

در پیام‌شناسی با استفاده از رویکرد سیستمی ضروری است، ابتدا مؤلفه‌های ریشه‌ای و علل اصلی رخداد هر پدیده با نگاه جامع‌نگر و با ملاحظه‌های کلیه جوانب و نیز کلان‌نگری خاصی استخراج و سپس پیامدها و تأثیراتی که این عوامل بر پدیده‌ی مدنظر دارد تعیین شود. مفاهیم و مبانی اصلی به کار رفته در کنوانسیون برگرفته از رویکردی است که محصول عقل خودبنیاد بشری و کاملاً بریده شده از تعالیم و حیانی است؛ رویکردی که قائل به اصالت انسان و اومانیسم است. در چنین بستری با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه و کلان‌نگرانه‌ی مفاد کنوانسیون مشاهده می‌شود مبانی اصلی که محتوای کنوانسیون بر آن استوار است، «آزادی» و «برابری و تساوی» است. در این پژوهش، پیامد آزادی به عنوان یکی از میانی‌کلیدی کنوانسیون بر مؤلفه‌های محوری حیات خانوادگی متعالی یعنی «قوامیت مرد»، «محبوبیت و انیس بودن زن» و به تبع آن نظام خانوادگی متعالی بررسی و تحلیل سیستمی خواهد شد.

### ۴-۱- تأثیر آزادی در قوامیت مرد

نکته‌ی مهمی که باید به آن توجه کرد، تفاوت در تعریف و تعیین ابعاد و گستره‌ی آزادی در نگرش دینی و نگرش لیبرال دموکراسی (نگاه حاکم بر ادبیات کنوانسیون) است. در فرهنگ دین قلمرو آزادی تا مرز تحصیل عزت انسانی و کمالات معنوی برای دنیا و آخرت پیش می‌رود و آزادی به معنای

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

تصمیم‌گیری خواسته‌های عقلانی است، نه هرگونه اختیار و اعمال اراده در راستای خواهش‌های نفسانی. چنانچه نگاه و نگرش به دین هدفدار و نظام‌مند باشد، چیزی جز آزادی محض از آن مشاهده نمی‌شود و با این نگاه می‌توان گفت همه‌ی تکالیف به آزادی‌ها برمی‌گردند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۱). چنین تعریفی از آزادی نه تنها مخالف و یا متضاد مسئولیت و تکلیف نیست، بلکه انجام دادن تکالیف به خودی خود، آزادی‌ها را تضمین خواهد کرد. یعنی هر جا سخن از تکلیف به میان می‌آید، حتماً در آنجا آزادی مطرح می‌شود.

در حقیقت در نگرش لیبرال دموکراسی فلسفه‌ی آزادی ارضای تمایلات، خواسته‌ها، هوی و هوس‌های نفسانی و مادی دانسته می‌شود. همان‌گونه که بویو<sup>۱</sup> در کتاب *لیبرالیسم و دموکراسی* بیان می‌کند: «خرد وضعی جز این را نمی‌خواهد که در آن هر فرد در فردیت کامل خویش برای خودپروری آزادی مطلق داشته باشد؛ وضعی که در آن طبیعت نیز نخورده بر جای بماند و تنها از اعمالی که خود فرد و بنا بر اراده‌ی آزاد و متناسب با دامنه‌ی نیازها و گزینه‌هایش انجام می‌دهد تأثیر بپذیرد. وضعی که در آن فرد تنها با حدود اختیارات و حقوقش محدود می‌شود» (بویو، ۱۳۷۶: ۳۳). در این نگرش نیز هدف آزادی حفظ فرد در برابر دولت و سایر مقامات است و آزادی معمولاً خود را از روابط اجتماعی و خانوادگی - که نوعی اسارت تلقی می‌شود - جدا می‌کند تا بتواند به استقلال و اصالت فردی دست یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۵۸۶)؛ لذا در غرب غلبه با آزادی فردی است، نه تکلیف و

1. Norberto Bobbio

مسئولیت در برابر دیگران. فردگرایی در اندیشه‌ی لیبرال به اندازه‌ای است که تنها خود فرد می‌تواند منافع و مصالح خود را شناسایی کند، نه هیچ مرجع دیگری و لذا هیچ منشأ تکلیفی جز خواست خود او وجود ندارد. از این رو، نباید به اکراه فرد را مجبور کرد تا آن طور که مرجع دیگری مصلحت می‌داند، عمل کند (نادری باب اناری، ۱۳۹۱: ۲۶۹).

بنابراین با اصالت یافتن آزادی و تمایلات فردی، بر انسان هیچ تکلیفی به جز آنچه خود بخواهد مترتب نمی‌شود، لذا مردی که به دنبال منافع، تمایلات و خواسته‌های فردی خویش است و در محیط خانواده تکلیف و مسئولیت اصلی خود - که همانا قوامیت به معنای تأمین کنندگی، حمایت کنندگی و امنیت‌دهی است - را انجام ندهد، اعضای خانواده به ناچار چنین نیازهایی را یا شخصاً برطرف می‌کنند (که در واقع با توجه به اجتماعی بودن انسان عملی نخواهد شد) و یا از طریق برقراری رابطه‌ای دیگر به دنبال تأمین این نیازها هستند و آرامش و سکنی را خارج از سازوکارها و روابط خانوادگی جست‌وجو می‌کنند. بنابراین مسئله‌ی مهمی چون خانواده که بر مبنای حقوق و تکالیف شکل گرفته و زیر بنای جامعه‌ای سالم و متعالی است از هم گسیخته می‌شود و به تبع آن نقش‌های محوری این کانون محوری در پای امیال فردی قربانی می‌شود و هویتی به نام خانواده باقی نخواهد ماند.

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

در نمودار شماره‌ی ۴ با توجه به رویکرد سیستمی در قالب نمودار علی- معلولی و حلقه‌های علی، اثرگذاری علت ریشه‌ای یعنی آزادی در اندیشه‌ی لیبرالیستی و با نگاه کنوانسیون بر قوامیت مرد و به تبع آن بر حیات خانوادگی متعالی را می‌توان ملاحظه کرد که به بیان چند نمونه از مواد آن پرداخته خواهد شد:

الف - «برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» که در ماده‌ی ۳ به آن اشاره شده است؛ آزادی در کنوانسیون به معنی مانع یا مداخله‌ی کمتر پیش روی انسان است که منجر به کم رنگ شدن و از بین رفتن حدود و قیود الهی می‌شود.

ب - «موظف کردن دول عضو برای تأمین زنان باردار و شیرده» که در بند ۱۲-۲ مطرح شده است؛ این بند در حقیقت مسئولیت و تکلیف مردان که حمایت و مراقبت مالی و معنوی از زنان در دوران بارداری و شیردهی است را نادیده گرفته و آن را بر عهده‌ی دولت‌ها گذاشته و این امر موجب کم رنگ شدن مسئولیت‌ها، نقش مدیریتی و قوامیت مرد در خانه می‌شود؛ لذا جایگاه اصلی مرد متزلزل شده و کانون خانواده بحرانی می‌شود (البته این امر منافاتی با قوانین حمایتی دولت از زنان باردار و شیرده ندارد).

علاوه بر این بند دوم از ماده‌ی چهارم کنوانسیون، حمایت از مادری را مصداق تبعیض نمی‌داند، مراد از آن تنها حمایت از زنان هنگام بارداری، زایمان و شیردهی است که مربوط به بیولوژی زنانه و از مقوله‌ی جنس<sup>۱</sup>

1. Sex

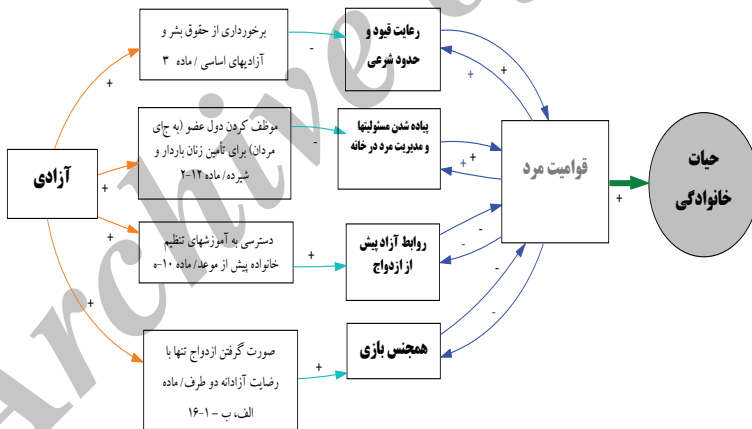
است نه حمایت از نقش معنوی مادری در تربیت فرزند؛ از قضا کمیته‌ی رفع تبعیض به برخی کشورها همچون بلاروس به دلیل برگزاری جشن روز مادر و اعطای جایزه به مادران نمونه به دلیل آنکه مروج نقش‌های کلیشه‌ای برای زنان است، اعتراض کرده است.<sup>۱</sup>

ج - «دسترسی به آموزش‌های تنظیم خانواده پیش از موعد» که در ماده‌ی ۱۰ به آن اشاره شده است؛ این دسترسی به فعال شدن زود هنگام غریزه‌ی جنسی در نوجوانان منجر می‌شود. همان‌طور که دکتر قلعه‌باغی بیان کرده است: «بررسی‌های علمی نشان داده‌اند بیداری نابهنگام جنسی، زمینه‌ساز بروز پاره‌ای از هوس‌های نادرست، عادت‌های نامناسب و انحراف‌آمیز مانند خودارضایی، قرار دادن خود در معرض استفاده‌های جنسی و غریزی و بالاخره توسعه‌ی مفساد و آلودگی هاست» (قلعه باغی، ۱۳۹۱). پیامد سوء این عمل گسترش روابط آزاد جنسی پیش از ازدواج خواهد بود؛ چرا که موجب تحریک تمایلات جنسی در سنین پایین خواهد شد که به صورت عطش جنسی بروز می‌کند و در نهایت گسترش روابط نامشروع جنسی پیش از ازدواج را در پی خواهد داشت. در این شرایط زوجین به خانواده تعلق ندارند و به دنبال تأمین نیازهای خویش در محیط خانواده نیستند، چراکه چنین تأمینی برای آنها مسئولیت‌هایی نیز تحمیل می‌کند؛ لذا جایگاه حقیقی مرد و زن در خانواده متزلزل می‌شود و به تبع آن قوامیت مرد و محبوبیت زن معنادار نخواهد بود.

۱. کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان؛ مقالات و گفتگوها، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ص ۱۳۱.

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

د- شیوع «همجنس بازی» نمونه‌ی دیگری از اثرات سوء کنوانسیون در جامعه است، چنان‌که در مفاد این کنوانسیون هر جا بحث ازدواج مطرح شده به جای لفظ زن و مرد، اصطلاح «دو طرف ازدواج» به کار رفته است، همانند ماده ۱۶-۱ الف و ب «صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت آزادانه‌ی دو طرف» که به نوعی زمینه‌ی روابط غیرفطری با هم جنس را گسترش می‌دهد. در چنین حالتی اصلاً خانواده‌ی متشکل از زن و مرد شکل نمی‌گیرد و امکان شکل‌گیری نقش‌ها و مسئولیت‌های ویژه‌ی زنان و مردان از بین می‌رود. البته لحاظ کردن رضایت آزادانه در ازدواج امری است که اسلام و عقل بشری نیز آن را پذیرفته‌اند.



نمودار ۴: تأثیر آزادی در اندیشه‌ی لیبرالیستی در قیامت مرد

#### ۲-۴- تأثیر آزادی در محبوبیت زن

آزادی به معنای رها بودن از هر قید و بند و نبودن مانع بر سر راه فرد و اینکه هر کس هر کاری که مایل است و دوست دارد انجام دهد، در هیچ یک

از مکتب‌ها، فرهنگ‌ها و نظرات فلسفی و اجتماعی به صورت یک ارزش ذکر نشده است. در جامعه‌ی بشری اگر فرض شود یک انسان در هر کاری که مایل است انجام بدهد، آزاد باشد و هیچ مانعی بر سر راه او نباشد، نفس این آزادی به طور طبیعی آزادی بسیاری از مردم را محدود خواهد کرد، پس آزادی انسان به صورت مطلق ممکن نیست.

صاحب نظران، آزادی‌های موجود در جامعه را به دو قسمت آزادی‌های شخصی و آزادی‌های عمومی تقسیم می‌کنند. [آنها] آزادی انسان در انتخاب دین، شغل و مسکن را به عنوان آزادی‌های شخصی و آزادی‌های فعالیت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به عنوان آزادی‌های عمومی مطرح کردند. غرب معتقد است که انسان باید در امور شخصی کاملاً آزاد باشد و هیچ عاملی نباید آزادی‌های دسته‌ی اول را محدود کند ولی در حوزه‌ی عمومی قائل به یک سری محدودیت‌هایی (قوانین) برای انسان‌ها هستند (برزگر، ۱۳۹۱: ۶۲۰)، اما در اسلام محدود کننده‌ی آزادی انسان فقط در زمینه‌ی مسائل اجتماعی و عمومی نیست، بلکه شامل مسائل فردی، شخصی و خصوصی انسان هم می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان که شکوفایی فطرت زیبایی دوستی است، در بستر خانواده فعلیت می‌یابد و این امر موجب می‌شود تا محبّ خداوند و محبوب او شود؛ لذا می‌توان خانواده را محل تأمین این نیاز عالی دانست. از آنجا که رشد انسانی زن در سایه‌ی محبت الهی ظهور و بروز می‌یابد تا وی در جایگاه محبوبیت حقیقی خویش قرار گیرد، بهره‌گیری زن از



فطرت حب و درک صحیح از آن، در گرو این است که چگونگی رابطه‌ی حب با جایگاه اخص و ممتاز زن در خانواده بررسی شود. در محیط خانه هرگاه محبوبیت زن با قوامیت مرد توأم شود، زن به بهترین نحو مسئولیت و تکالیف خانوادگی و حتی اجتماعی خویش را انجام خواهد داد. تحقق این امر به برآورده شدن آرامش زوجین و تکمیل همدیگر و تداوم امنیت عاطفی خانواده منجر می‌شود. از جمله راه‌کارهای پیدایش و افزایش محبوبیت و معشوق بودن زن نزد همسر آن است که اعمال، رفتارها و گفتارهای هماهنگ با فطرت، طبیعت و ساختمان وجودی‌اش باشد. لازمی این امر آن است که زن، محبوبیت تکوینی و ابزارهای خدادادی را که به منظور نفوذ معنوی در قلب همسر و جذب او به طرف خویش داراست از بین نبرد، بلکه در تقویت و استمرار آن بکوشد.

در مقابل، تفکر غرب و لیبرال که در بستر فردگرایی شکل گرفته هیچ محدودیت خانوادگی را نمی‌پذیرد و معتقد است، هیچ چیزی نباید آزادی‌های شخصی افراد را محدود کند و هیچ منشأ تکلیفی را جز خواسته‌ی فرد و تمایلات نفسانی او بر نمی‌تابد. در چنین فضایی مسئولیت و نقش‌های مکمل گونه‌ی زن و مرد در محیط خانواده معنی نمی‌یابد و خانواده که کانون محبوبیت است جز با عملیاتی کردن وظایف و مسئولیت‌های هر یک از زن و مرد که برخاسته از طبیعت آنهاست محقق نمی‌شود و هرگاه اعضای خانواده در جایگاه اصلی و فطری خویش قرار نگیرند و مسئولیت و تکالیف آن جایگاه را به بهانه‌ی آزادی انجام ندهند، زنان قادر به ایفای

نقش محبوبیت خویش نیستند؛ چراکه در پی خواسته‌های خویش‌اند و انیس و آرامش‌بخش همسر خود نخواهند بود. همچنین اگر مرد خانواده به دنبال خواسته‌ها و تمایلات نفسانی خود باشد، از طالب و علاقه‌مند بودن زوج خویش در مسیر کمال - که فطری وجود اوست - منحرف می‌شود؛ لذا نقش ویژه‌ی محب شدن مرد در بستر خانواده محقق نمی‌شود. در چنین شرایطی نیاز اساسی انسانی در خانواده به فعلیت نمی‌رسد و زن و مرد برای تأمین نیازهای خویش در جست‌وجوی محیط‌های دیگری هستند؛ لذا بنیان خانواده از هم گسسته خواهد شد و هیچ یک از بسترها و نهادهای اجتماعی نخواهند توانست جایگاه مورد حب حقیقی قرار گرفتن زن و محب واقعی بودن مرد را پاسخ‌گو باشند.

در نمودار شماره‌ی ۵ می‌توان در یک فرآیند تحلیلی سیستماتیک، اثرگذاری این علت ریشه‌ای یعنی آزادی با نگاه کنوانسیون را در محبوبیت زن و به تبع آن در حیات خانوادگی متعالی ملاحظه کرد که به بیان چند نمونه از مواد آن پرداخته خواهد شد:

الف - «روابط آزاد با رضایت آزادانه‌ی دو طرف» که در بند ۱۶-۱ بخش الف و ب مطرح شده است؛ این روابط در عمل به «ترویج خودفروشی زنان» منجر می‌شود. بر اساس رویکرد فمینیسم وجودگرا - که آغازگر آن اندیشه‌های سیمون دوبووار<sup>۱</sup> است - روسپی‌گری راهی برای رهایی از وابستگی زنان به مردان است، به‌گونه‌ای که نه تنها قربانی نمی‌شوند، بلکه

1. Simon de Beauvoir

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

قدرت هم خواهند داشت. فاحشه خمیرمایه‌ی "زن آزاد شده" است. همچنین فمینیست‌های لیبرال - که مبنای ایدئولوژی آنها نظرات سیاسی جان استوارت میل است - معتقدند که فحشا نوعی قرارداد در زمینه‌ی دادوستد و معامله‌ی شخصی است. آنها بر مبنای اصل مالکیت خود، از فحشا به عنوان حقی برای بزرگسالان همراه با آزادی و اختیار برای انجام دادن هر نوع عمل جنسی دفاع می‌کنند (مکون و آشتیانی، ۱۳۸۴: ۲۴۷-۲۲۹).

در چنین فضایی زنان برای عرضه‌ی متفاوت خود در جامعه رقابت می‌کنند؛ لذا نه تنها به دنبال نفوذ معنوی در قلب همسر و جذب او به طرف خویش نخواهند بود، بلکه درصدد عرضه‌ی بهتر و متمایزتر خویش در جامعه هستند و این امر باعث بروز بحران در کانون خانواده و نیز فروپاشی خانواده‌های دیگر می‌شود.

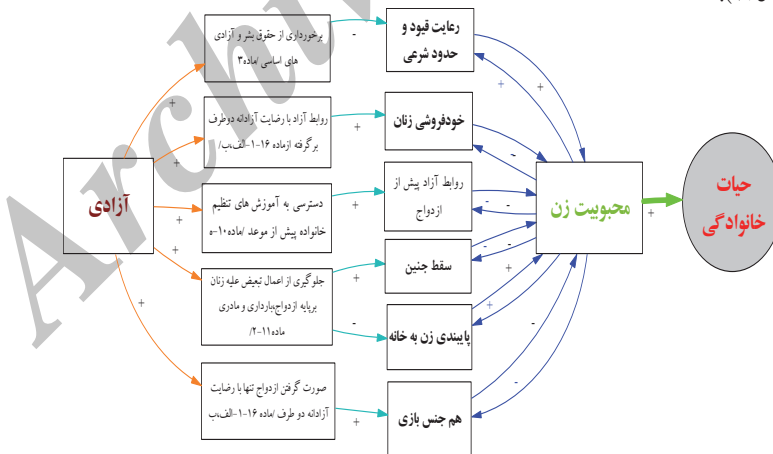
ب - «برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بر پایه‌ی تساوی با مردان» که در بند ۳ به آن اشاره شده است؛ آزادی مدنظر کنوانسیون به معنای رهایی از هر قید و بند و نبودن مانع بر سر راه فرد و اینکه هر کس هر کاری که دوست دارد انجام دهد، است. این امر به از بین رفتن حدود و قیود شرعی منجر شده و باعث می‌شود زن و مرد خود را به حریم خانواده محدود نکنند و به منظور ارضای نیازهای خویش به سوی روابط خارج از خانواده سوق یابند؛ لذا مرد در پی حب ورزیدن به همسر خویش به عنوان تنها معشوقش نخواهد بود.

ج - «صورت گرفتن ازدواج تنها با رضایت آزادانه دو طرف» که در ماده ۱۶-۱ الف و ب کنوانسیون به آن اشاره شده است؛ این بند به ترویج «همجنس بازی» در جامعه منجر می‌شود؛ چرا که به جای قید مرد و زن در ازدواج، لفظ دو طرف ازدواج را به کار برده تا این عمل را به رسمیت بشناسد؛ همچنان که کمیته‌ی سیدا در گزارشی، نگرانی خود را نسبت به اینکه در قرقیزستان، «همجنس بازی زنانه» در حقوق کیفری به عنوان جرم جنسی شناخته شده، اعلام کرده و خواستار آن است که جرایم مقرر شده برای این عمل، منسوخ شوند (Wendy Wright:19). همچنین این کمیته به کشورها می‌گوید: «همه‌ی قوانینی که جریمه‌هایی برای روابط جنسی بین زنان تعیین می‌کنند، بازبینی شوند تا این تبعیض‌ها علیه زنان برطرف شوند». این امر از جمله عواملی است که مانع از تشکیل خانواده به صورت فطری و صحیح آن می‌شود و در مواردی هم که خانواده موجود باشد، به ناپودی آن منجر می‌شود؛ لذا دیگر جایی برای حب و رزیدن باقی نمی‌ماند.

د- «جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان بر پایه‌ی ازدواج، بارداری و مادری» موضوعی که در بند ۱۱-۲ مطرح شده است؛ این بند بارداری و ازدواج و مادری را نوعی تبعیض علیه زنان دانسته و کشورهای عضو را بر آن می‌دارد تا از هرگونه تبعیض علیه زنان از طریق مادری و ازدواج جلوگیری کنند. در واقع نقش‌های اصلی زن و کارویژه‌های خاص او در خانواده که همسری و فرزندآوری و مادری است را نوعی ظلم بر زن برشمرده است و مانع آزادی وی می‌داند. با اجرای این بند در واقع خانواده‌ای تشکیل نخواهد شد و در صورت

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

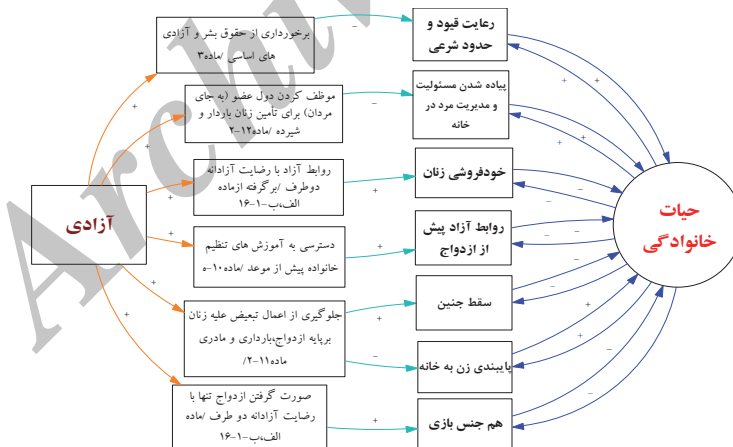
شکل گیری خانواده، چیزی جز هم خانگی بدون مسئولیت نخواهد بود. علاوه بر این تداوم نسل نیز تحت تأثیر قرار گرفته و بارداری زن را ظلم به او بر شمرده است. همچنان که کمیته در ژانویه ۲۰۰۰ خطاب به بلاروس اظهار می‌دارد: «حمایت بهداشتی - درمانی و مقررات و قوانین دوران بارداری، موجب کاهش استانداردهای حمایتی و تبعیض نسبت به زنان در مشاغل می‌شود» (CEDAW Committee, 31 January 2000). همچنین در جای دیگر، خطاب به جمهوری چک، افزایش اقدامات حمایتی نسبت به حاملگی و مادری را نگران کننده دانسته و اخطار می‌دهد (CEDAW Committee, 14 May 1998). کمیته حتی کشورهای کرواسی، قزاقستان، مصر، مالدیو و اسلونی را سرزنش می‌کند که چرا با اعمال قوانینی در حمایت از مادران، مانع ارجاع کارهای سخت به زنان شده و بدین گونه در تصاحب مشاغل بین زنان و مردان تبعیض قائل می‌شوند (شاعری، ۱۳۸۳: ۲۰۲-۱۷۴).



نمودار ۵: تأثیر آزادی در اندیشه‌ی لیبرالیستی در محبوبیت زن

### ۴-۳- تأثیر آزادی در حیات خانوادگی

آزادی با تعریف مدنظر کنوانسیون در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. با توجه به رویکرد سیستمی در قالب نمودار علی- معلولی و حلقه‌های علی به تشریح اجزای مختلف سیستم حیات خانوادگی و روابط علت و معلولی آنها تشریح می‌شود. مفادی از کنوانسیون که از این نوع تعریف از آزادی متأثرند و تبعات آنها روی حیات خانوادگی، در نمودار شماره ۶ به صورت رابطه‌ی علت و معلولی نمایش داده شده است. تشریح نحوه‌ی اثرگذاری این علت ریشه‌ای یعنی آزادی در نگاه کنوانسیون در اجزای منظومه‌ی خانوادگی و به تبع آن در حیات خانوادگی متعالی و استدلال‌های مرتبط با آن در دو قسمت قبل آورده شده است که به منظور جلوگیری از تکرار مکررات از آوردن آن در این قسمت اجتناب می‌شود.



نمودار ۶: مفاد کنوانسیون متأثر از آزادی در اندیشه‌ی لیبرالیستی

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان به عنوان جامع‌ترین و رسمی‌ترین سند بین‌المللی در رابطه با حقوق زنان و رفع تبعیض علیه زنان در تمام عرصه‌ها شناخته شده است و بیشتر کشورهای جهان در حال پذیرش و پیوستن به این کنوانسیون هستند، ولی به طور کلی باید اذعان کرد علی‌رغم اینکه بسیاری از تلاش‌های مجامع بین‌المللی در راستای شناسایی تمام عیار حقوق زنان در جریان به‌کارگیری و اجرای مقررات بین‌المللی حقوق بشری به ظاهر موفقیت‌آمیز بوده است، با این حال این تلاش‌ها به نوبه‌ی خود چالش‌هایی را نیز به دنبال داشته است. کنوانسیون زنان نه تنها نتوانسته جایگاه واقعی زنان را ترسیم کند و حقوق و آزادی‌های از دست رفته را به آنها بازگرداند، بلکه چالشی جدی‌تر که همانا زوال خانواده است را به دنبال داشته است.

در این پژوهش با استفاده از رویکرد سیستمی و با مطالعه‌ی دقیق و همه‌جانبه و کلان‌نگرانه‌ی مفاد کنوانسیون، پس از استخراج مبانی اصلی یعنی «آزادی» و «برابری و تساوی» که محتوای کنوانسیون بر آن استوار است، پیامد آزادی بر مؤلفه‌های اصلی حیات خانوادگی متعالی یعنی «قوامیت مرد»، «محبوبیت و انیس بودن زن» و به تبع آن نظام خانوادگی متعالی بررسی و تحلیل سیستمی شد.

کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان با داشتن بندهایی از قبیل «برخورداری از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» به عنوان عاملی برای حذف قیود و حدود

شرعی، «موظف کردن دول عضو (به جای مردان) برای تأمین زنان باردار و شیرده» در راستای از بین رفتن مسئولیت‌ها و مدیریت مرد در خانه، «روابط آزاد یا رضایت‌آزادانه‌ی دو طرف» به عنوان عامل ترویج خود فروشی زنان و رواج هم‌جنس‌گرایی، «دسترسی به آموزش‌های تنظیم خانواده پیش از موعد» زمینه‌ساز گسترش روابط آزاد پیش از ازدواج و «جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان بر پایه‌ی ازدواج، بارداری و مادری» موجبات کاهش پای‌بندی زن به کانون خانواده را فراهم می‌کند.

در این نگاه محوریّت با فرد است، یعنی هر نقشی که زن در خانواده ایفا می‌کند، نوعی ظلم بر او محسوب می‌شود و مانع آزادی اوست؛ همچنین هر آنچه مرد را بر مدار خانواده و محدود به آن نگه می‌دارد سیطره‌ی مرد بر زن به شمار می‌آید و مانع آزادی زن و مرد است، زیرا غلبه با آزادی است نه تکلیف و هیچ منشأ تکلیفی جز خواست فرد وجود ندارد؛ لذا در کنوانسیون، زوجین (مؤلفه‌ی قوامیت مرد و محبوبیت زن) نقشی ندارند و مصالح خانواده مد نظر قرار نگرفته است و تنها خانواده به هم‌خانگی زن و مرد بدون هیچ تعهد و مسئولیت و تکلیفی نسبت به یکدیگر تقلیل یافته است. در حالی که در تفکر اسلام محوریّت خانواده است و خانواده‌ی مطلوب اسلام بر اساس حکمت الهی و مد نظر قرار گرفتن تفاوت‌های تکوینی زن و مرد شکل گرفته که در تکامل فرد و جامعه نیز نقش بسزایی دارد.

مردان مسئولیت قوام بودن یعنی پابرجا نگه داشتن، پشتیبان و محافظ بودن را در نظام خانواده بر دوش دارند و لازمه‌ی زن بودن نیز آرامش‌آوری و



محبوبیت و انیس بودن وی است. بنابراین مردان در میدان جاذبه‌ی اخلاقی، عاطفی و جسمی زن قرار گرفته و طبیعتاً به سوی او جذب می‌شوند و مسئولیت قوام بودن خویش را با حمایت حفاظتی و پشتیبانی و تأمین معاش به عهده می‌گیرند. در نتیجه خانواده می‌تواند کارکرد اصلی خویش را که تکامل فرد و جامعه است، به منصفی ظهور بگذارد؛ چراکه رعایت حق و تکلیف زن و مرد در خانواده و جامعه مستلزم اعطای حقوق و ملزم به اجرای تکالیفی متناسب با شأن و جایگاه هر یک از زن و مرد است.

Archive of SID

### منابع

- ◀ ابن منظور، محمدبن مكرم ۱۴۱۴، لسان الغیب، بیروت، دارصادر.
- ◀ اعزازی، شهلا ۱۳۷۶. جامعه‌شناسی خانواده، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ◀ افروغ، عماد. «مفهوم آزادی و مناقشات آن»، نشست اندیشه‌های راهبردی آزادی، (آبان ۹۱).
- ◀ انصاری، محمد علی ۱۳۸۸. زن از منظر قرآن، مشهد، بیان هدایت نور.
- ◀ انصاری قرطبی، محمدبن احمد ۱۳۶۴. الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- ◀ برزگر، ابراهیم. «آزادی در الگوی سه گانه اسلام»، نشست اندیشه‌های راهبردی آزادی، (آبان ۹۱).
- ◀ برلین، آیزایا ۱۳۸۰. چهار مقاله درباره‌ی آزادی، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی.
- ◀ بویو، نوربرتو ۱۳۷۶. لیبرالیسم و دموکراسی، ترجمه‌ی بابک گلستان، تهران، سرچشمه.
- ◀ بولتن مرجع، گزیده مقالات درباره فمینیسم، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، مدیریت مطالعات اسلامی.
- ◀ پاینده، ابوالقاسم ۱۳۸۳. نهج الفصاحه، اصفهان، خاتم‌الانبیا.
- ◀ جوادی آملی، عبدالله ۱۳۹۱. تفسیر موضوعی قرآن (جامعه در قرآن)، تهران، اسرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۴. حق و تکلیف در اسلام، تهران، اسرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۱. نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۶. خانواده متعادل و حقوق آن، تهران، اسرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۹ (الف). زن در آینه جلال و جمال، تهران، اسرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۸۹ (ب). فلسفه حقوق بشر، تهران، اسرا.
- ◀ \_\_\_\_\_ ۱۳۹۰. انسان از آغاز تا انجام، تهران، اسرا.
- ◀ حسن زاده، علیرضا، حبیب‌الله دانایی و ربابه سادات امامی میبدی. «الگوی استقرار و توسعه دورکاری با رویکرد پویاشناسی سیستم»، پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی

تحلیل سیستمی تأثیر مفهوم آزادی در نگاه کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

- دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، سال ۶، ش ۱، (بهار ۱۳۹۳).
- «خانواده در بحران؛ گفتگو با دکتر جیمز سی دابسون»، سیاحت غرب، ش ۳۰، (دی ماه ۸۴).
- «دورانت، ویلیام جیمز (ویل دورانت) ۱۳۷۸. تاریخ تمدن، گروه مترجمین، علمی فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۵. لذات فلسفه، ترجمه‌ی عباس زریاب خویی، علمی فرهنگی کتیبه.
- «دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. «آزادی اندیشه و منافع جمهوری اسلامی ایران»، نشست اندیشه‌های راهبردی آزادی، (آبان ۹۱).
- «راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲. المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالشامیه.
- «رضائیان، علی ۱۳۸۴. تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران، سمت.
- «رئوفی، محمد حسین ۱۳۸۱. مدیریت عمومی و آموزشی، مشهد، روان مهر.
- «زاهدی، شمس السادات، ۱۳۸۹. تجزیه تحلیل و طراحی سیستم‌ها، دانشگاه علامه طباطبایی.
- «زن، دانشگاه، فردایی بهتر، مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مطالعات زنان، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، معاونت فرهنگی و اجتماعی، (۱۳۷۹).
- «زعفرانچی، لیلا سادات. «نقدی اجمالی بر کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، کتاب نقد، ش ۲۶ و ۲۷، (۱۳۸۲).
- «سالاری فر، محمد رضا ۱۳۸۹. خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- «شاعری، مریم. «آرای کمیته سیدا، تاریخچه ملاحظاتی در امور حکومتی ملت‌ها»، کتاب نقد، ش ۳۱، (۱۳۸۳).
- «طباطبایی، محمد حسین ۱۳۸۲. تفسیر المیزان، ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، اسلامی.
- «طبری، محمدبن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- «عطایی اصفهانی، م.ع ۱۳۷۸. آزادی از دیدگاه اسلام، قم، عصر ظهور.

- ◀ علاسوند، فریبا ۱۳۸۲. نقد کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- ◀ علاقه‌بند، علی ۱۳۸۱، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی. تهران، روان.
- ◀ غزالی، محمدبن محمد ۱۴۰۶/۱۹۸۶. احیاء علوم‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ◀ فارسی، جلال‌الدین ۱۳۶۱. فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد امام رضا.
- ◀ قلعه باغی، سوزان، روزنامه سلامت، ۱۳۹۱.
- ◀ کوهی، محمدرضا ۱۳۸۷. آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن، قم، مشهور.
- ◀ مشایخی، علی نقی، عادل آذر و ابوذر زنگویی نژاد. «مدلسازی دینامیکی کاهش متوسط زمان پرداخت خسارت در شرکت‌های بیمه: رویکرد پویاشناسی سیستم»، مدیریت تحول، سال ۵، ش ۱۰، (پاییز و زمستان ۱۳۹۲).
- ◀ مطهری، مرتضی ۱۳۸۸. مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا.
- ◀ مکنون، ثریا و زهره آشتیانی. «فمینیسم و روسپی‌گری»، کتاب زنان، سال ۷، ش ۲۸، (۱۳۸۴).
- ◀ نادری باب اناری، مهدی، «آزادی در دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی»، نشست اندیشه‌های راهبردی آزادی، (آبان ۹۱).
- ◀ نوری (محدث نوری)، میرزا حسین ۱۴۰۸ ه.ق، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ◀ ویلیام آتویت و تام باتامور ۱۳۹۲. فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، نی.
- Berlin, Isaah, 1969, *Four Essays on Liberty*, Oxford: Oxford University Press
- CEDAW Committee, 14 May 1998, UN document.
- CEDAW Committee, 31 January 2000, UN document.
- Donnelly, Jack, 1986, *Universal Human Right in Theory and Practice*, London, Cornell University Press.

- Luik, John C. "Humanism", *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, Vol.8, p.528
- Wendy Wright, "CEDAW Committee Rulings", ([www.cwfa.org](http://www.cwfa.org)).

Archive of SID

## التحليل المنهجي لاثـر مفهوم الحرية من منظار اتفـاقية القضاء على التمييز ضد المرأة في مكونات الحياة الاسرية

نرگس جدا / نفيسه اخوان نيلچى

المقتطف

ان اتفاقية القضاء على جميع اشكال التمييز ضد المرأة او سيداو اختصارا هي وثيقة دولية حول حقوق المرأة وان معظم دول العالم انضمت اليها وحي مرحلة القبول بها. ولأن هذه الاتفاقية هي متأثرة (تحت تأثير) المدرسة الفردية التي تؤمن بان الفرد (البشرى) هو الأصل والتي ادت الى الحاق الضرر بالحياة الأسرية و الإنسانية فهن الضروري اتخاذ نهج شامل وذا منظور كلى (منهجي) لتحليل و تفسير دقيق و جذرى لهذا الموضوع. فى هذه الدراسة تنظر الى الحياة الأسرية كنظام متماسك والخلية الأولية و الرئيسية للمجتمع، و تتم استخراج المكونات و العناصر الرئيسية لها و من ثم تأثير الحرية (الحریات) باعتبارها الأسس الرئيسية للاتفاقية على كونات الحياة الأسرية والتي تتضمن قواميه الرجل و مجبوية المرأة و اخيراً يتم تحليل و مراجعة موضوع نظام الأسرة. استنادا الى النتائج التي تم الحصول عليها فى هذه الدراسة فان الاتفاقية باحتوائها على احكام مختلفة تسييت فى فقدان مسؤولية و ادرة الرجل للمنزل العائلى و كذلك اختناض نسبة النساء الملتزمات بقواعد و اصول الحياة الأسرية.

المفردات الاساسية:

الحرية، اتفاقية القضاء على التمييز ضد المرأة، قسامى الأسرة، قواميه الرجل، مجبوية المرأة، التحليل المنهجي، المنفذ.